



## ویژگی‌های خطبه‌تراز

کریم پیروز ✓



## چکیده

خطابه از دیرپاترین ابزارهای ارتباطی و اقناعی در جهان اسلام است که نقشی محوری در فرآیند جامعه‌پذیری دینی و انتقال ارزش‌های اخلاقی دارد. با این حال، در ادبیات پژوهشی حوزوی و دانشگاهی، کمتر به تدوین مدل مفهومی «خطبه» تراز» پرداخته شده است. هدف اصلی این پژوهش، استخراج الگوی مطلوب خطبه بر مبنای آموزه‌های وحیانی و سیره معصومین علیهم‌السلام است تا مرز میان «سخنرانی مرسوم» و «خطبه هدایت‌گر» در بستر نماز جمعه روشن گردد. این پژوهش با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای کیفی، گزاره‌های متنی قرآن کریم و سنت معصومین علیهم‌السلام را استخراج و مقوله‌بندی کرده است. در این فرآیند، مؤلفه‌های اثرگذاری، اخلاص خطیب، انطباق با نیازهای روز و استفاده از ادبیات مقتضی، به عنوان متغیرهای اصلی مؤثر بر کیفیت خطابه واکاوی شده‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که «خطبه تراز» محصول هم‌افزایی میان سه حوزه «شخصیت خطیب»، «محتوای معرفتی» و «فنون بلاغی» است که در سه محور زیر تبیین می‌شود.

- فراتر از مهارت‌های فنی، عنصر «تقوا» و «بصیرت سیاسی-اجتماعی» پیش‌شرط مشروعیت و نفوذ کلام خطیب محسوب می‌شود؛ به‌گونه‌ای که انحراف یا ناآگاهی‌گوینده، می‌تواند کارکرد مثبت خطابه را به ضد آن (تخریب اجتماعی) تبدیل کند.
- خطبه تراز باید بر بنیادهای محکم وحیانی (قرآن) و میراث حکمی (نهج‌البلاغه) استوار باشد و در عین حال، ناظر به مسائل مستحدثه و چالش‌های زیست‌بوم مخاطبان صورت‌بندی شود.

- نماز جمعه به عنوان بستر اصلی خطابه، ظرفیتی ویژه برای «هدایت اجتماعی» است و خطبه‌خوانی در این فضا، فراتر از یک وظیفه شرعی، مانند یک «کنش سیاسی-تربیتی» در جهت صلاح امت تعریف می‌شود.
- **کلیدواژه:** خطابه، خطبه تراز، نماز جمعه، الگوی هدایت دینی، بلاغت کاربردی، سیره معصومین علیهم‌السلام.

## مقدمه

خطابه، به عنوان یکی از دیرینه‌ترین و تأثیرگذارترین ابزارهای ارتباطی بشر، همواره نقشی محوری در شکل‌دهی به اندیشه‌ها، انتقال ارزش‌ها و هدایت مسیر جوامع ایفا کرده است. در منظومه دین مبین اسلام، این هنر سخنوری از جایگاهی رفیع برخوردار است و در قالب «خطبه»، به‌ویژه در فریضه عبادی-سیاسی نماز جمعه، کارکردی راهبردی و دوچندان یافته است. اهمیت این جایگاه تا بدان حد است که فن خطابه، نه تنها ابزاری برای تبلیغ دین و تربیت جامعه تلقی می‌شود، بلکه چنان‌که در این پژوهش بدان استناد خواهد شد، خود مصداق «عبادت شرعی» نیز به شمار می‌رود. با این حال، همان‌گونه که در متن مقاله هشدار داده شده است، این فن قدرتمند، در دست افراد ناآگاه یا بی‌تقوا می‌تواند به سلاحی ویرانگر تبدیل شود. این ظرفیت دوگانه، یعنی قابلیت هدایت‌گری والا در کنار خطر انحراف و آسیب‌زایی، ضرورت بازشناسی دقیق چیستی، مؤلفه‌ها و بایسته‌های یک «خطبه تراز» را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد؛ از این رو، تبیین ویژگی‌های خطبه مطلوب، برای تحقق اهداف متعالی اسلام در هدایت فرد و جامعه، امری ضروری است.

## ۱. مفهوم خطبه

«خُطْبَه» با ضم حرف «خاء» آن به سخنی گفته می‌شود که بر منبر ایراد می‌گردد؛ از این رو می‌گویند: «خُطِبَ عَلَى الْمَنبَرِ». اما «خطبه» با کسر «خاء»، به معنای خواستگاری کردن از زن است.

راغب اصفهانی می‌گوید: «الخطب» و «المُخَاطَبَه» و «التَّخَاطُب» به معنای رد و بدل کردن کلام بین دو یا چند نفر است و کلمات «الخطبه» و «الخطبه» از همین ریشه مشتق شده‌اند؛ با این تفاوت که کلمه نخست به ایراد موعظه اختصاص دارد، اما کلمه دوم برای خواستگاری به کار می‌رود؛ در این خصوص قرآن می‌فرماید: «وَلَا جُنَاحَ عَلَیْكُمْ فِیْمَا عَزَّضْتُمْ بِهِ مِنْ خُطْبَةِ النِّسَاءِ».<sup>[۱]</sup> ریشه این کلمه به حالتی بر می‌گردد که در آن فرد به ایراد سخن می‌پردازد. فاعل «خُطْبَه»، «خاطب» و «خُطیب» است، اما در خصوص «خُطْبَه» تنها واژه «خاطب» به عنوان فاعل مطرح می‌شود. فعل هر دو واژه، «خُطِبَ» و «خُطِبَ» (به فتح خاء و سکون طاء) نیز به امر بسیار مهمی گفته می‌شود که گفت‌وگوی فراوانی را در پی دارد.<sup>[۲]</sup>

در کتاب «تهذیب‌اللغه» آمده است: «خطبه اسم کلامی است که خطیب با آن تکلم می‌کند و در جایگاه مصدر خطیب قرار دارد؛ از این رو عرب می‌گوید: «فَلَانٌ خُطِبَ فَلَانَةً إِذَا كَانَ یَخْطُبُهَا»

در اصطلاح شرع، «خطبه» کلامی منسجم و حاوی وعظ و تبلیغ دین است. جرجانی در تعریف آن می‌گوید: خطبه قیاسی مرکب از مقدمات مقبوله یا مظنونه از سوی شخصی است که به آن اعتقاد دارد و هدف از آن، ترغیب مردم به انجام اعمالی است که منافع دنیوی و اخروی آنان را تأمین می‌کند.<sup>[۳]</sup>

خطبه‌های نماز جمعه در طول تاریخ اسلام همواره بخشی جدایی‌ناپذیر از آیین دینی بوده‌اند و منابع روایی و تاریخی، گواه اهتمام ائمه معصومین علیهم‌السلام به ایراد خطبه‌های روشنگرانه است. با این حال، تدوین چارچوبی علمی و آکادمیک که بتواند بر اساس آن، «تراز» بودن یک خطبه را مورد ارزیابی قرار دهد، امری است که همچنان جای کار دارد.

این پژوهش در صدد پاسخ‌گویی به این سؤالات کلیدی است:

- جایگاه خطابه در اسلام، فراتر از یک فن سخنوری، چیست؟
- ویژگی‌های بنیادین یک «خطبه تراز» که آن را از خطبه‌های متعارف متمایز می‌سازد، کدامند؟
- خطیب در هدایت جامعه چه نقشی ایفا می‌کند و انحراف از اصول این فن، چه پیامدهایی خواهد داشت؟
- پژوهش حاضر با استناد به مستندات قرآنی، روایی و سیره ائمه معصومین علیهم‌السلام، اهداف ذیل را دنبال می‌کند:
- تبیین جایگاه واقعی خطابه در اسلام به مثابه یک ابزار هدایتی و تربیتی مقدس.
- شناسایی، تحلیل و تبیین ویژگی‌های بنیادین «خطبه تراز» با رویکردی علمی و مستند.
- تشریح دقیق نقش خطیب در هدایت جامعه و تبیین پیامدهای منفی و خطرات ناشی از انحراف این فن.
- این تحقیق با اتخاذ رویکردی توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از روش کتابخانه‌ای، به بررسی و استخراج ویژگی‌های کلیدی خطبه تراز از منابع معتبر اسلامی (قرآن کریم، روایات و سیره ائمه) می‌پردازد. تحلیل محتوای این منابع، مبنای استخراج و تبیین ویژگی‌های خطبه تراز و پاسخگویی به سؤالات پژوهش قرار خواهد گرفت.

۱. بقره، آیه ۲۳۵.

۲. راغب الإصفهانی، ۱۴۲۷ ق؛ ۱۱.

۳. الجرجانی، ۱۴۰۳ ق؛ ۹۹.

همچنین دربارهٔ تعریف «خطبهٔ نماز جمعه»، در کتاب «بدائع الصنائع» چنین آمده است: خطبه در تعریف متعارف، اسمی است در برگزیدهٔ سپاس و ستایش خداوند متعال، صلوات بر پیامبر ﷺ، موعظهٔ مسلمانان و دعا برای آنان.<sup>[۱]</sup>

با توجه به تعاریف گوناگون و احکام مرتبط با خطبهٔ جمعه، می‌توان آن را این‌گونه تعریف کرد: «خطبهٔ جمعه، کلامی حاوی وعظ و نصیحت است که پس از فرا رسیدن وقت شرعی، با رعایت ارکان، شروط و آداب آن، در حضور جمعی از مسلمانان توسط خطیب ایراد می‌گردد.»

## ۲. اهمیت خطبه در اسلام

خطابه، خطبه یا وعظ، سخنی است که با هدف ترغیب مردم به انجام یا ترک یک عمل، از طریق تحریک عواطف و اقناع آنان بیان می‌شود. در خطابه می‌توان احساسات و عقل مخاطب را چه به صورت مجزا و چه هم‌زمان، تحت تأثیر قرار داد و هدایت کرد. بیان رسا از ارزشمندترین هدیه‌های پروردگار به فرد و جامعه به شمار می‌رود و افزون بر آن، خطبه ابزاری مهم برای تربیت و اصلاح است.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: «با سخن است که چهره‌ای سفید یا سیاه می‌گردد»<sup>[۲]</sup> و نیز امام سجاد (علیه السلام) فرمود: «مردانگی سه گونه است: مال، شوکت و زبان که بهترین آنهاست»<sup>[۳]</sup>. اهمیت خطابه تا آنجاست که شهید مطهری در این باره می‌گوید: «هیچ هنری به اندازهٔ هنر خطابه نمی‌تواند اثر اجتماعی

داشته باشد»<sup>[۴]</sup>. از این‌رو، این هنر در جهت‌دهی به عواطف و احساسات بشری بسیار مؤثر است. خطیبی که صلاحیت‌های لازم را داشته باشد، می‌تواند در موضوعات کلیدی زندگی انسان‌ها نقش‌آفرینی کند و حتی حماسه‌آفرین باشد. به عنوان نمونه حضرت زینب (علیها السلام) با وجود آن همه مصائب، در مجلس این‌زید خطبه خواند، آن ملعون از مضامین کوبنده، استحکام کلمات و بیان نافذ و شیوای ایشان تعجب کرد و گفت: «این زن، پیوسته موزون و مسجع سخن می‌گوید؛ پدرش هم شاعر بود». حضرت زینب (علیها السلام) فرمود: «مَا لِلْمَرْأَةِ وَالشَّجَاعَةِ أَنْ لِي عَنِ الشَّجَاعَةِ لَشَغْلًا وَلَكِنْ صُدِّي نَفْثَ بِمَا قُلْتُ»<sup>[۵]</sup> یعنی زن را با سجع چه کار؟ مرا با سجع کاری نیست؛ آنچه بر زبانه جاری شد، سخنانی بود که از سوز سینه‌ام برخاست. از سوی دیگر، تأثیر خطابه به گونه‌ای است که اگر خطیب، از تقوایی بهره‌مند باشد، بزرگ‌ترین خرابی‌ها و جنایات را رقم می‌زند. اگر سخنرانی شورانگیز ابن‌زید در کوفه نبود، شاید حادثهٔ کربلا به آن شکل رقم نمی‌خورد. او با استفاده از درخواست‌ها، احساسات و نیازهای مردم کوفه، در خطبه‌ای عوام فریبانه مردم را از حضرت مسلم (علیه السلام) دور کرد.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرماید: «رَبَّ كَلَامٍ كَالْجَسَامِ»<sup>[۶]</sup> (چهبسا سخنی که همچون شمشیر بزان است).

اگر شمشیر در دست انسانی بی‌تقوا قرار گیرد، حاصلی جز تباهی نخواهد داشت. در تاریخ صدر اسلام از افرادی نام برده شده که در لشکر مشرکان بودند و توانایی زیادی در فن خطابه داشتند و نیروهای مشرکان را علیه رسول خدا ﷺ بسیج می‌کردند. سهیل بن عمرو خطیبی توانا بود که در فتح

۴. ده‌گفتار، ص ۱۵۲.

۵. الإرشاد، ص ۴۷۳.

۶. میزان الحکمه، ج ۱۷۸۳.

۱. الکاسانی، ۱۴۰۲، ج ۱، ص ۲۶۲.

۲. تحف العقول، ج ۱، ص ۲۱۶.

۳. الخصال، ج ۱، ص ۱۱۶، ح ۹۵.



مورخان بر این باورند که نخستین دموکراسی بشر در یونان باستان شکل گرفت. دموکراسی آن زمان، «مستقیم» بود؛ یعنی نامزدها در میدان بزرگ شهر خطبه می‌خواندند و رئیس مملکت از میان خطبا انتخاب می‌شد؛ هر خطیبی که خطابه‌ای قوی داشت، ادارهٔ مملکت را به او می‌سپردند.

یک خطیب توانا با خطابه‌ای استوار می‌تواند ملتی را بسیج کند و مانع از اختلال امور و آشفتگی شود که بی‌شک، این نشان‌دهندهٔ قدرتی فوق‌العاده است.

### ۳. خطبهٔ نماز جمعه

در اسلام، خطبه در قالب‌های واجب و مستحب وجود دارد؛ از جمله در نماز جمعه، نماز عیدین (فطرو قربان)، نماز باران و هنگام ازدواج.

در این مجال، به خطبهٔ نماز جمعه پرداخته می‌شود. در نماز جمعه، دو خطبه پیش از نماز ایراد می‌گردد که جایگزین دو رکعت از نماز ظهر جمعه محسوب شده و شرط صحت نماز جمعه است.

خطبه‌های نماز جمعه باید مشتمل بر حمد و ثنای الهی، سلام و صلوات بر پیامبر ﷺ و آل ایشان، و همچنین موعظه و نصیحت باشد. واژه «خطبه» در اصطلاح شرعی به سخنرانی و کلامی گفته می‌شود که دربرگیرندهٔ ستایش خداوند و صلوات بر پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام باشد.

مقام معظم رهبری در این باره فرمود: «خطبهٔ نماز جمعه آن است که از دل و مغز فعال امام جمعه می‌جوشد و تراوش می‌کند، بر زبان او می‌آید و با بیان بلیغ و فصیحی، بر حسب نیاز مردم، آن را به مردم منعکس می‌کند».<sup>[۴]</sup>

مگه، خلیفهٔ دوم به پیامبر ﷺ پیشنهاد کرد دندان‌های پیشین او کشیده شود تا دیگر قدرت خطابه‌خوانی نداشته باشد؛ اما پیامبر ﷺ با این پیشنهاد مخالفت کرد.<sup>[۱]</sup> بیان و خطابه، زیبایی بزرگی برای انسان به‌شمار می‌آید و هرگز با زیبایی‌های ظاهری قابل قیاس نیست؛ از این رو، فن خطابه برای گروه‌های مختلفی، از جمله علمای دین، اهمیت ویژه‌ای دارد. اگر عالمان دین از این هنر بهرهٔ کافی برده باشند، می‌توانند در مسیر تبلیغ دین، مخاطب را مبهوت کلام خویش سازند. رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: «إِنَّ مِنَ الْبَيَانِ لَسِخْرًا»<sup>[۲]</sup> (به‌راستی که پاره‌ای از سخنان، جادوست). کلامی که از نظر بلاغت و فصاحت در اوج باشد، گاه چنان جذابی می‌آفریند که قلب مخاطب را اسیر و عقل او را مسحور می‌کند.

می‌توان گفت در قلّهٔ هنر خطابه، شخصیتی {امیرالمومنین علی علیه‌السلام} قرار دارد که باید او را بزرگترین معجزهٔ سخن از حیث بلاغت، فصاحت و فن سخنوری در تاریخ بشر نامید. ایشان چنان از این هنر برخوردار بودند که به تعبیر بعضی از بزرگان، هنگامی که مخاطب پای خطبه‌هایشان می‌نشست، احساس می‌کرد گویی این کلمات از جانب خداوند نازل شده است.

ابن ابی‌الحدید در این باره می‌گوید: «همان‌گونه که قرآن سجدهٔ واجب دارد، بعضی از خطبه‌های حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام نیز، فصیحان و بلیغان سخنور را بی‌اختیار به سجده وامی‌دارد».<sup>[۳]</sup>

فرماندهان نظامی و سیاستمداران نیز، به فن خطابه نیازمندند و بسیاری از بزرگان عرصهٔ سیاست از رهگذر همین هنر به جایگاه‌های بلند دست یافته‌اند.

۱. سیرهٔ ابن هشام، ج ۱، ص ۱۰۷.

۲. من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۷۹.

۳. سحر بیان و جمال لسان، ص ۳۸.

۴. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۴/دی/۱۳۹۴

در واقع تأکیدی بر این نکته است که خطابه در ساحت نماز جمعه، نه ابزاری برای تأمین اغراض زودگذر، بلکه رسالتی است که مستقیماً با هدایت‌گری جامعه در پیوند است و همین وجه «قدسی»، ضرورت دستیابی به الگوی «خطابه تراز» (از حیث محتوا، شیوه بیان و نیازسنجی) را به یک الزام عقلی و شرعی برای امام جمعه بدل می‌کند.

ایشان در جای دیگری می‌فرماید: «منبر نماز جمعه و خطبه‌های نماز جمعه چیزی است که در جای خود اهمیت فراوانی دارد. خطاست اگر کسی تصور کند حالا که رادیو و تلویزیون و تئاتر و سینما و وسایل گوناگون تبلیغی و وسایل جدید الکترونیکی و اینترنت هست، دیگر خطبه‌های نماز جمعه چه کاره است، نه! این خطاست. خطبه نماز جمعه، جایگاه و تأثیر بسیار والای خود را دارد».<sup>[۲]</sup>

این دیدگاه با رد انگاره «تقلیل‌گرایانه» در جایگزینی رسانه‌های دیجیتال و فناوری‌های نوین با تربیون‌های سنتی، استدلال می‌کند که خطبه نماز جمعه به دلیل پیوند میان «حضور فیزیکی»، «ارتباط چهره‌به‌چهره» و «سرمایه معنوی نهفته در امر قدسی»، کارکردی فراتر از انتقال صرف اطلاعات دارد که ابزارهای فناورانه هرگز قادر به بازتولید آن نیستند. در واقع، این تحلیل نشان می‌دهد که خطابه در ساحت نماز جمعه نه یک «رسانه در کنار سایر رسانه‌ها»، بلکه یک «کنش زیستی و تربیتی» است که قدرت تأثیرگذاری آن از «ماهیت زنده و ایمانی» ارتباط میان امام و امت سرچشمه می‌گیرد؛ از این‌رو، در دنیای اشباع شده از اطلاعات، این خطبه است که با تکیه بر اصالت کلام و جایگاه قدسی‌اش، همچنان به عنوان قدرتمندترین ابزار برای جهت‌دهی به فکر، اخلاق و بصیرت جمعی باقی می‌ماند.

این فرمایش نشان می‌دهد که «خطبه تراز» نه یک سخنرانی کلیشه‌ای یا صرفاً مبتنی بر محفوظات، بلکه فرآیندی پویا و چندمرحله‌ای است که از «درون‌مایه فکری و بصیرت زنده» خطیب سرچشمه می‌گیرد. در این رویکرد، خطبه زمانی به کمال اثرگذاری می‌رسد که در گام نخست، محصول اندیشه‌ی فعال و دغدغه‌مند خطیب باشد؛ در گام دوم، با بهره‌گیری از مهارت‌های فنی فصاحت و بلاغت به زبانی گویا و اثرگذار بیان شود؛ و در گام نهایی، با اتکا به «واقع‌بینی و نیازسنجی دقیق»، مستقیماً بر مسائل و چالش‌های روز مخاطبان متمرکز گردد. بنابراین، خطبه در این منظومه، پیوندی ناگسستنی میان «عمق معرفتی خطیب»، «هنر بیانی او» و «دردشناسی اجتماعی جامعه» است که آن را از یک گفتار عادی به ابزاری راهبردی برای هدایت عمومی بدل می‌سازد.

از این جهت ایشان خطاب به ائمه جمعه می‌فرماید: «من به شما برادرهای عزیز عرض می‌کنم که مسئولیت بزرگی را بر دوش گرفته‌اید و آن مسئولیت هدایت مردم در اجتماع جمعه است که با منبرها و با حرف زدن‌های عادی و با منابر سیاسی و تربیون‌های کذایی تفاوت دارد، این مقدس است».<sup>[۱]</sup>

این فرمایش با تفکیک ماهوی میان «خطبه نماز جمعه» و سایر اشکال نطق‌های سیاسی یا اجتماعی، آن را از سطح یک «ارتباط متعارف» به جایگاه یک «امر قدسی» ارتقا می‌دهد. در این نگاه، خطیب جمعه صرفاً یک سخنور یا کنشگر سیاسی نیست، بلکه حامل مسئولیتی راهبردی و الهی است که به واسطه تقدس جایگاه هدایت جمعی، ملزم به رعایت استانداردهای والاتری از اخلاق، بصیرت و تعهد است. این تمایزگذاری،

۲. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۵/ مهر/ ۱۳۸۱.

۱. بیانات مقام معظم رهبری، ۲۰/ اردیبهشت/ ۱۳۸۷.

بنابراین، «خطبهٔ تراز» به خطبه‌ای اطلاق می‌شود که از نظر محتوا، بیان و تأثیرگذاری، در بالاترین سطح کیفی باشد و می‌تواند به عنوان الگویی برای سایر خطبه‌ها مورد استفاده قرار گیرد. این ویژگی‌ها در کنار هم، خطبه را از یک سخنرانی صرف فراتر برده و به آن عمق، تأثیر و ماندگاری می‌بخشند.

#### ۴-۱. مشتمل بر سخنان حکمت‌آمیز

زیبایی خطبه، مشتمل بودن آن بر سخنان حکمت‌آمیز است؛ از این‌رو، یک خطیب زمانی تسلط بیان خواهد داشت و زیبا سخن خواهد گفت که در خطبهٔ خویش از سخنان حکمت‌آمیز استفاده کند. حکمت، سخن یا قصهٔ کوتاهی است که عالی‌ترین و زیباترین مفاهیم و مصالح زندگی بشر را بیان کند. در واقع، حکمت، عصارهٔ ده‌ها و چه‌بسا صدها نکتهٔ ارزشمند و پندآموزی است که در قالب یک سخن کوتاه یا قصه بیان شده است.

تمام کلمات قرآن و معصومین علیهم‌السلام سرشار از حکمت است. اگر ما عمل را می‌سازیم، عمل نیز ما را می‌سازد؛ به همین جهت خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ»<sup>[۲]</sup> و نفرمود: «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا عَمِلَتْ رَهِينَةٌ» تا بیان کند بین شما و عمل، تأثیر متقابل حاکم است؛ از این‌رو می‌توان گفت: نماز را حفظ کنید تا نماز شما را حفظ کند.

با مانند آیه «لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ وَيَحْيَىٰ مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ؛ تا کسی که باید هلاک شود، با دلیلی روشن هلاک گردد و کسی که باید زنده شود، با دلیلی واضح زنده بماند»<sup>[۳]</sup>

«مخاطبان نماز جمعه هم یک قشر خاص نیستند؛ همهٔ قشرهای مردم‌اند، به شرطی که ما بتوانیم به وظیفهٔ خود در زمینهٔ خطبه‌های نماز جمعه و این خطابهٔ مهم و مؤثر آشنا بشویم و عمل کنیم»<sup>[۱]</sup>

این دیدگاه با تأکید بر تنوع و فراگیری بدنهٔ مخاطبان نماز جمعه، این تریبون را نه به عنوان عرصه‌ای برای سخن گفتن با یک قشر خاص، بلکه به مثابهٔ «رسانه‌ای ملی و فراگیر» تعریف می‌کند که ظرفیت جذب لایه‌های متنوع جامعه را داراست. در این تلقی، شرط تحقق این فراگیری، «شناخت دقیق وظایف خطیب» است؛ به این معنا که تنها زمانی می‌توان از تنوع مخاطبان بهره برد که خطیب با درک درست از جایگاه خطابه و مهارت در تطبیق آن با نیازهای لایه‌های مختلف مردم، بتواند سخنی جامع، عمیق و در عین حال قابل فهم ارائه دهد. در واقع، این عبارت مسئولیت «اقبال عمومی» را مستقیماً متوجه کیفیت اجرای خطیب می‌داند و نشان می‌دهد که ناتوانی در جذب افشار گوناگون، بیش از آنکه به ماهیت نماز جمعه بازگردد، ناشی از قصور در انجام «وظایف تبیینی و مهارتی» از سوی خطیب است.

#### ۴-۲. ویژگی‌های خطبهٔ تراز

برای ورود به بحث «ویژگی‌های خطبهٔ تراز»، ابتدا باید درک روشنی از مفهوم «خطبه» و «تراز» داشته باشیم؛ خطبه به عنوان یک سخنرانی مذهبی یا سیاسی، به‌ویژه در نماز جمعه و اعیاد، جایگاهی رفیع در انتقال مفاهیم دینی، اجتماعی و سیاسی دارد و «تراز» به معنای معیار، الگو و سطح بالا است.

۲. مدثر، آیه ۳۸.

۳. انفال، آیه ۴۲.

۱. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۵/مهر/۱۳۸۷.

**مستدل بودن»، نقشی اساسی  
ایفا می‌کنند. خطبهٔ «تراز» خطبه‌ای  
است که بر پایه‌های محکم دانش  
و منطق بنا شده باشد؛**

جایی که هر ادعا با شواهد و براهین روشن پشتیبانی شود و مخاطب با اطمینان قلبی و عقلی، پیام خطیب را پذیرا گردد. این رویکرد، نه تنها اعتبار کلام خطیب را افزایش می‌دهد، بلکه باعث می‌شود تا پیام او در دل‌ها جای گرفته و در عمل نیز نمود پیدا کند، و از این رهگذر، خطبه از یک گفتار صرف به راهنمایی عملی برای زندگی تبدیل شود.

قرآن کریم می‌فرماید: «قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا»<sup>[۳]</sup> یعنی باید گوینده محکم و مستدل و قوی سخن بگوید.

رهبر معظم انقلاب فرمود: «نماز جمعه یک منبر معمولی نیست که برویم از محفوظاتمان استفاده کنیم. مطلب و خطبه باید نقد، حاضر، متین، قوی، مفید و مورد سؤال و احتیاج باشد».<sup>[۴]</sup> طبق این بیانات، نماز جمعه جایگاهی فراتر از یک سخنرانی معمولی با مطالب از پیش آماده شده دارد؛ بلکه باید عرصه‌ای باشد برای ارائهٔ سخنانی «نقد، حاضر، متین، قوی، مفید و مورد سؤال و احتیاج». این صفات مستقیماً با «مستند و مستدل بودن» خطبهٔ تراز گره خورده‌اند. «حاضر» و «مورد احتیاج» بودن به معنای پرداختن به مسائل روز و دغدغه‌های واقعی مردم است که خود نیازمند تحقیق و جمع‌آوری اطلاعات دقیق (مستند بودن) است. «متین»، «قوی» و «مفید» بودن نیز مستلزم بهره‌گیری از استدلال‌های منطقی و شواهد قابل اتکا (مستدل بودن) است تا خطبه بتواند پاسخی قانع‌کننده به شبهات و نیازهای فکری جامعه ارائه دهد و از تبدیل

یعنی حتی اگر می‌خواهی کسی را سر ببری، با برهان ببر و اگر می‌خواهی مرده‌ای را زنده کنی، با برهان زنده کن و اگر پیامبر ﷺ شمشیر به دست گرفته بود، برای این بود که دهان او را بسته و از دیارش بیرون کرده بودند. وقتی مگه را فتح کرده بودند و موانع بیان برطرف شد و زمینه‌های تبلیغ فراهم شد، فرمود: زین پس مجنگید مگر کسی که با شما بجنگد.<sup>[۱]</sup> زیرا به خوبی می‌دانست تیزی برهانش بیشتر از تیزی شمشیرش است.

یا مثل کلام و حکمت تربیتی رسول خدا ﷺ: «فرزند، هفت سال امیر است و هفت سال وزیر و هفت سال بنده».<sup>[۲]</sup> خطابه باید مشتمل بر حکمت اخلاقی، حکمت اقتصادی، حکمت پزشکی، حکمت تبلیغی، حکمت عرفانی، حکمت اجتماعی، حکمت تربیتی، حکمت سیاسی و حکمت در سبک زندگی باشد.

بنابراین می‌توان بر ضرورت گنجاندن «حکمت» در خطبه‌ها تأکید نمود، چرا که حکمت به عنوان عصارهٔ تجربیات و مفاهیم ارزشمند زندگی، به سخن خطیب زیبایی، عمق و قدرت تأثیرگذاری می‌بخشد؛ به گونه‌ای که حتی در مواجهه با مخالفان، «برهان» و استدلال حکمت‌آمیز بر هر نیروی دیگری برتری دارد، و این حکمت باید در ابعاد گوناگون زندگی، از جمله اخلاق، اقتصاد، سیاست و سبک زندگی، جاری باشد تا خطبه بتواند به الگویی جامع و اثرگذار تبدیل شود.

## ۲-۴. مستند و مستدل بودن

**برای دستیابی به یک خطبهٔ  
تأثیرگذار و سازنده، دو ویژگی  
بنیادین؛ یعنی «مستند و**

۱. تاریخ الامم و الملوک، ج ۲، ص ۳۳۳.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۷۶.

۳. أحزاب، آیه ۷۰.

۴. بیانات مقام معظم رهبری، ۲۸ شهریور/۱۳۷۲.

کوتاهی، حاوی محتوایی غنی، مستند و منطقی باشد، بهتر می‌تواند در دل و ذهن مخاطب جای گیرد و اثرگذار واقع شود. بنابراین، «کوتاه و مفید بودن» نه به معنای سطحی‌نگری، بلکه به معنای رساندن حداکثر پیام با حداقل کلمات، با تکیه بر استدلال‌های قوی و مستندات متقن است تا مخاطب با درکی روشن و رضایت فکری، از آن بهره‌مند گردد.

مقام معظم رهبری فرمود: «خطبه‌ها را هرچه بتوانیم کوتاه‌تر کنیم بهتر است. خطبه باید کوتاه باشد تا مردم احساس نکنند که با رفت و آمد به نمازجمعه، روز جمعه‌شان تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد و همه‌اش صرف نمازجمعه می‌شود. هرچه این خطبه‌ها کم حجم‌تر و پر مغزتر باشد، بهتر است که البته این زمانی اتفاق می‌افتد که خطیب، مطلب در ذهنش مرتب و منظم باشد و نقطه مقابلش این است که حجم خطبه‌ها زیاد و مغزش کم باشد که این یقیناً جاذبه را کم می‌کند».<sup>[۷]</sup>

ایشان، «کوتاه و مفید بودن» را به عنوان یک اصل اساسی برای خطبه‌ تراز معرفی می‌کند و تأکید دارند که کوتاهی خطبه، از آن جهت که باعث می‌شود مخاطب، احساس نکند تمام روز جمعه‌اش صرف نماز جمعه می‌شود، اهمیت دارد و از دلزدگی جلوگیری می‌کند. این ویژگی با «مفید بودن» در هم تنیده است؛ چرا که خطبه‌ کوتاه اما پر مغز، با داشتن محتوای منظم، مستند و منطقی در ذهن خطیب، می‌تواند حداکثر تأثیرگذاری را داشته باشد. در مقابل، خطبه‌های طولانی و کم‌محتوا، که فاقد نظم فکری و استدلال کافی هستند، نه تنها جذابیت خود را از دست می‌دهند، بلکه ممکن است مخاطب را نیز خسته و دلزده کنند. بنابراین، «کوتاه و مفید بودن» در راستای «مستند و مستدل

شدن به سخنی صرفاً احساسی یا کلیشه‌ای فاصله بگیرد. بنابراین، هرچه خطبه به این ویژگی‌ها نزدیک‌تر باشد، به همان میزان «مستند و مستدل» بوده و به معیار خطبه‌ تراز دست یافته است.

ایشان در جای دیگر می‌فرماید: «مطلب باید قوی، مستند، منطقی، قانع‌کننده و متناسب با سؤال و استفهام و استفسار روحی و فکری مخاطب باشد؛ یعنی متناسب با نیاز او. این می‌شود آن مطلب درست و قوی».<sup>[۸]</sup>

این بیانات به طور دقیق، هسته اصلی «مستند و مستدل بودن» خطبه‌ تراز را روشن می‌سازد. «قوی» بودن مطلب، زمانی حاصل می‌شود که مبتنی بر شواهد و ادله محکم (مستند) و چارچوب‌های منطقی باشد تا بتواند مخاطب را با ارائه پاسخی روشن و قانع‌کننده، به ویژه در قبال سؤالات و ابهامات ذهنی و روحی او، ارضا کند. هنگامی که خطیب بتواند نیاز فکری و روحی مخاطب را درک کرده و با ارائه مطالبی که هم از نظر محتوا غنی و مستند است و هم از نظر استدلال قوی و منطقی، پاسخی درخور ارائه دهد، آنگاه «مطلب درست و قوی» شکل گرفته و خطبه به هدف اصلی خود یعنی هدایت و روشنگری دست یافته است.

### ۴-۳. کوتاه و مفید بودن

خطبه‌ تراز، چنانچه چراغی روشنگر در تاریکی‌ها، نیازمند ویژگی‌هایی است که آن را از سخنانی عادی متمایز سازد. «کوتاه و مفید بودن» تنها یکی از این خصائص کلیدی است. این ویژگی به خطیب اجازه می‌دهد تا پیام خود را با ایجاز و اختصار، اما با عمق و تأثیرگذاری لازم، به مخاطب منتقل کند. در جهانی که سرعت اطلاعات سرسام‌آور است و ذهن‌ها به سرعت دچار خستگی می‌شوند، خطبه‌ای که در عین

۲. بیانات مقام معظم رهبری، ۲۸ شهریور/۱۳۹۲.

۱. بیانات مقام معظم رهبری، ۸ اردیبهشت/۱۳۹۷.

به معنای سطحی‌گویی، بلکه به معنای رساندن پیام اخلاقی عمیق در کمترین و سالم‌ترین حجم ممکن است.

#### ۴-۴. قابل استفاده بودن برای همه

از مهم‌ترین ویژگی‌های یک خطبه «تراز» و اثرگذار، «قابلیت استفاده برای همه» است. این بدان معناست که پیام خطبه نباید محدود به گروه خاصی از مردم باشد، بلکه باید به گونه‌ای بیان شود که برای عموم افراد جامعه، با سطوح فکری و درجات علمی متفاوت، قابل فهم، ملموس و راه‌گشا باشد.

خطیب تراز با درک این اصل، از به‌کارگیری عبارات پیچیده، تخصصی یا دور از دسترس عموم، پرهیز و تلاش می‌کند تا مفاهیم را با زبانی ساده، روشن و مثال‌هایی قابل درک، منتقل نماید. این رویکرد تضمین می‌کند که همه مخاطبان، اعم از جوان و پیر، باسواد و کم‌سواد، بتوانند با خطبه ارتباط برقرار کرده و از آن بهره‌مند شوند. در ادامه به بررسی چگونگی تحقق این ویژگی و اهمیت آن در خطبه نماز جمعه خواهیم پرداخت.

رهبر معظم انقلاب در این زمینه می‌فرماید: «محتوای خطبه‌ها باید طوری باشد که هر کس پای آنها نشست، وقتی بلند شد احساس کند چیزی نصیبش شده است. با یک مطلب علمی، با یک مطلب اعتقادی، با یک فهم سیاسی بلند شود».<sup>[۳]</sup> این سخن حکیمانه، تأکید می‌کند که هدف اصلی خطبه، «نصیب بردن» مخاطب است، خواه این نصیب در قالب «مطلب علمی»، «مطلب اعتقادی» یا «فهم سیاسی» باشد. این «نصیب بردن» زمانی محقق

بودن است؛ زیرا تنها با داشتن مطلب مرتب و منظم در ذهن، می‌توان محتوا را فشرده، اما پربار و قانع‌کننده ارائه داد.

پیامبر ﷺ با خطابه‌ها و ترکیبات ماندگار و منحصر به فرد، راه فراخی را پیش روی طالبان این فضیلت گشوده و به حق فرموده است: «اَوْثِيْتُ جَوَامِغَ الْكَلِمِ»<sup>[۱]</sup> یعنی خداوند قدرتی به من داده که می‌توانم با عبارتی ساده و کوتاه، جهانی از مفهوم، و دنیایی از معنی را به انسان‌ها منتقل کنم.

پس جای تعجب نیست که خطاکاران و گناهکاران با شنیدن خطبه‌های آن حضرت، دچار عذاب وجدان می‌شدند و در برابر او برای اجرای حد، صف می‌کشیدند تا جایی که حضرت مجبور شد اعلام کند: «مَنْ أَصَابَ مِنْ هَذِهِ الْقَاذوراتِ شَيْئًا فَلَيْسَتْ بِنَفْسِي بِسِوَرِ اللَّهِ فَإِنَّهُ مَنْ بُدِيَ لَنَا صَفْحَةً نَقَمَ عَلَيْهِ حَدَّ اللَّهِ».<sup>[۲]</sup> این حدیث شریف به این مضمون اشاره دارد که هر کس آلوده به گناه و خطا شد، باید آن را از دیگران پنهان کند و از پوشش خداوند (یعنی توبه و استغفار) بهره‌مند شود. اما اگر کسی گناه خود را آشکار کند و علنی نماید، مورد عتاب و مجازات الهی (حدود الهی) قرار خواهد گرفت. این حدیث بیان می‌کند که خطبه مطلوب نباید به سمت افشاگری، حاشیه‌سازی و طولانی‌کردن سخن درباره گناهان و لغزش‌های افراد برود، بلکه باید به صورت موجز، حکیمانه و هدایت‌گر، اصل ستر، توبه و بازگشت به خدا را منتقل کند؛ یعنی خطیب تراز به جای ورود به جزئیات مفسده‌انگیز و ایجاد احساس رسوائی، پیام را در قالبی کوتاه، روشن و مؤثر بیان می‌کند تا هم حرمت مؤمن حفظ شود و هم مخاطب از خطبه بهره‌ر تریبی برد. پس اختصار در اینجا نه

۱. ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۲.

۲. عوالی اللئالی، ج ۳، ص ۴۴۱.

۳. بیانات مقام معظم رهبری، ۳۱ شهریور/۱۳۷۶.

در تعبیر دیگری بیان می‌کند: «از جمله افشاری که باید مورد توجه ویژه قرار بگیرند، جوانان هستند که باید در رابطه با آنها، فکر کنید، تأمل کنید، اندیشه کنید، کاوش کنید، سخنان نو و جذاب پیدا کنید، آن وقت، جوان‌ها می‌آیند در این جلسات شرکت می‌کنند».<sup>[۴]</sup>

بیانات رهبر معظم انقلاب، تأکید دارد که جوانان به دلیل ویژگی‌های خاص خود، از جمله پویایی، کنجکاوی، و حساسیت به مسائل روز، نیازمند رویکردی متفاوت در ارائه محتوا هستند. سخن ایشان بیانگر این است که برای جذب جوانان به خطبه‌های نماز جمعه، باید با «فکر، تأمل، اندیشه و کاوش»، «سخنان نو و جذاب» یافت شود.

این بدان معناست که خطبه نباید صرفاً به بیان مسائل کلیشه‌ای یا تکراری اکتفا کند، بلکه باید بتواند با زبان و نگاهی که با دنیای جوانان همخوانی دارد، به دغدغه‌ها، سؤالات و آرزوهای آنان پاسخ دهد. ارائه محتوای جذاب، نوآورانه و متناسب با فهم و علایق جوانان، نه تنها باعث حضور آنان در این جلسات می‌شود، بلکه زمینه را برای تأثیرپذیری عمیق‌تر و هدایت صحیح آنان فراهم می‌آورد و بدین ترتیب، شرط «قابل استفاده بودن برای همه» را با تمرکز بر قشر جوان، به بهترین شکل ممکن محقق می‌سازد.

ایشان در سخنان دیگری فرمود: «خطبه‌ها باید ناظر به رفع شبهه‌ها و گشودن گره‌های ذهنی مخاطبان به خصوص جوان‌ها، چه در امور دینی، چه در امور اعتقادی، در امور عملی، در امور سیاسی باشد؛ اما باید بدون

می‌شود که محتوای خطبه به گونه‌ای ارائه شود که برای طیف وسیعی از مخاطبان، با دانش و درک متفاوت، قابل فهم و جذب باشد؛ یعنی خطیب باید تلاش کند تا مفاهیم را در سطحی بیان کند که عموم مردم بتوانند با آن ارتباط برقرار کنند، نکته‌ای بیاموزند، یا دیدگاه جدیدی پیدا کنند؛ در غیر این صورت، اگر محتوا بسیار تخصصی، پیچیده یا دور از ذهن عموم باشد، تنها بخش کوچکی از مخاطبان احساس «نصیب بردن» خواهند داشت و شرط «قابل استفاده بودن برای همه» نقض می‌شود.

در جای دیگری ایشان می‌فرماید: «باید قدری از اخبار و تحلیل‌ها و حرف‌های تازه دنیا و کشور برای مردم بزند که اگر این اتفاق بیفتد مردم با شوق و علاقه، دور خطیب جمعه، جمع می‌شوند و حرف او را گوش می‌دهند».<sup>[۵]</sup>

این سخن رهبر معظم انقلاب، بر اهمیت «تازه بودن» و «ارتباط با دنیای روز» در محتوای خطبه‌ها تأکید دارد؛ زیرا وقتی خطیب از «اخبار و تحلیل‌های تازه» و «حرف‌های تازه دنیا و کشور» سخن می‌گوید، به نیاز طبیعی و کنجکاوی مردم در مورد وقایع پیرامونشان پاسخ می‌دهد. این موضوع باعث می‌شود که خطبه از حالت یکنواختی و تکرار خارج شده و برای مخاطبان جذابیت پیدا کند. مردمی که احساس کنند خطیب جمعه از مسائل روز آگاه است و می‌تواند تحلیلی نو و قابل تأمل در مورد آن‌ها ارائه دهد، با «شوق و علاقه» بیشتری گرد هم می‌آیند و به سخنان او گوش فرا می‌دهند. این رویکرد، خطبه را از یک سخنرانی صرفاً مذهبی به یک گفت‌وگو نافع و روشنگر تبدیل می‌کند که توانایی جذب افشار مختلف جامعه را دارد و بدین ترتیب، شرط «قابل استفاده بودن برای همه» را در عمل محقق می‌سازد.

۱. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۲/تیر/۱۳۹۸.

۲. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۴/دی/۱۳۹۴.

تصریح و به شکل غیر مستقیم باشد؛ چرا که گاهی بیان شبهه موجب اشتباه مستمع می‌شود.<sup>[۱]</sup>

سخنان رهبر معظم انقلاب در خصوص خطبه تراز، بر لزوم «قابل استفاده بودن برای همه» تأکید دارد که این مهم از طریق «نصیب بردن مخاطب» با مطالب علمی، اعتقادی یا سیاسی در سطحی قابل فهم برای عموم، «جاذبیت و پیگیری اخبار روز» برای مرتبط ساختن خطبه با دغدغه‌های جاری مردم، و توجه ویژه به «رفع شبهه‌ها و گشودن گره‌های ذهنی جوانان» به شیوه‌ای «غیرمستقیم و حکیمانه» محقق می‌شود، تا ضمن پاسخگویی به ابهامات، از تثبیت ناخواسته شبهات جلوگیری گردد.

در نتیجه، خطبه‌ای مؤثر و فراگیر شکل می‌گیرد که توانایی جذب و هدایت اقشار مختلف جامعه، به‌ویژه نسل جوان را داراست.

#### ۴-۵. دقت در انتخاب ترکیب

همان‌طور که در هر بنای استواری، استحکام هر جزء و نحوه‌ی پیوند آن با اجزای دیگر، نقشی حیاتی در ایستایی و کارایی کل بنا ایفا می‌کند، در خطبه نماز جمعه نیز، ترکیب محتوا، لحن، شیوه بیان و نسبت میان عناصر مختلف، تعیین‌کننده میزان «تراز» بودن و «قابل استفاده بودن» آن برای همگان است. این دقت در انتخاب ترکیب، صرفاً به معنای چینش کلمات نیست، بلکه نگاهی جامع به تمام مؤلفه‌های تأثیرگذار در انتقال پیام، از مفاهیم عمیق دینی و اعتقادی گرفته تا مسائل روز و شبهات ذهنی مخاطبان، به‌ویژه جوانان است. گویی خطیب، همچون یک معمار ماهر، باید بداند کدام مصالح (مفاهیم، اخبار، تحلیل‌ها) را برگزیند، چگونه آن‌ها را با هم بیامیزد (لحن، شیوه بیان، استدلال) و در چه قالبی (غیرمستقیم، حکیمانه) ارائه دهد

تا بنای خطبه، هم مستحکم و عمیق باشد و هم برای همگان، از پیر و جوان، عالم و عامی، قابل فهم و روشن‌گر شود. این مقدمه، ما را به درک عمیق‌تری از اهمیت جزئیات و کل در شکل‌دهی به یک خطبه تراز رهنمون می‌سازد. قرآن کریم و کلمات نورانی ائمه معصومین علیهم‌السلام در این مورد الگوی بسیار کامل و جامع و ارزشمندی هستند. قرآن کریم در انتخاب و به‌کارگیری کلمات و محل آنها شاهکار کرده است؛ به‌گونه‌ای که یکی از نویسندگان عرب‌زبان مقاله‌ای را با این عنوان منتشر کرده است: «الْكَلِمَةُ فِي الْقُرْآنِ عَاشِقَةٌ لِمَكَانِهَا»؛ یعنی واژه در قرآن، عاشق جا و مکان خویش است.

هر یک از مفاهیم قرآنی را گاهی می‌توان با قالب‌های فراوان ادا کرد؛ اما خداوند متعال از میان آنها به خاطر مزایای ویژه، قالب خاصی را انتخاب کرده است؛ مثلاً در آیه «وَلَا تُكِنُّ فِي ضَيْقٍ؛ وَازْآجِهْ مَكْرَ مِی‌کُنْد تَنگدل مَبَاش»<sup>[۲]</sup> می‌شود گفت: «وَلَا تُكِنُّ ضَائِقًا» یا اینکه بگوید: «وَلَا تُنْضِيقْ» و حتی «وَلَا تُضِيقْ»؛ اما خداوند در نوع ترکیب، جمله مذکور را فرموده است.

نقل است که به نابغه ضبیانی گفتند: چرا خداوند فرموده است: «اِفْتَرَبْتَ الشَّاعَةَ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ»؛ نزدیک شد قیامت و از هم شکافت ماه<sup>[۳]</sup>، و نفرمود: «ذَنَّتِ الشَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ». با این بیان که صورت دوم مختصرتر از صورت اول است؟ گفت: من ده‌ها نکته از «اِفْتَرَبْتَ» می‌فهمم که یکی از آنها را از «ذَنَّتْ» نمی‌فهمم.<sup>[۴]</sup>

صاحب بن عباد می‌گوید: «چقدر خوشحال شدم وقتی دیدم خداوند در قرآن و در فلان آیه از لفظ شکور استفاده کرده و لفظ شاکر را نیاورده است».<sup>[۵]</sup>

۲. نمل، آیه ۷۰.

۳. قمر، آیه ۱.

۴. سحر بیان و جمال لسان، ص ۷۰۸.

۵. سحر بیان و جمال لسان، ص ۲۸.

۱. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۸ شهریور/۱۳۹۲.

انتخاب ترکیب» در خطبه، تجسم عملی این کلام علوی است؛ یعنی گزینش سنجیده کلمات و عباراتی که هم حامل پیام صحیح و مؤثر باشند و هم از افتادن در دام «اسارت کلام» و ایجاد پیامدهای ناخواسته برای خود و شنوندگان جلوگیری کنند.

در تعبیر خواب ابن سیرین آمده: «در خبر است مردی خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام آمد و عرض کرد: خواب دیدم گاوی بزرگ از حفره‌ای کوچک درآمد و هرچه تلاش کرد به جای اول برگردد نتوانست. فرمود: تعبیر این است که چون سخن از دهان بیرون آید، دوباره باز نگردد».<sup>[۴]</sup>

**باید خطیب توجه داشته باشد که یک جمله فصیح و پرمحتوا می‌تواند بزرگترین آتش اجتماعی را خاموش و بزرگترین تکان عاطفی را مهار بکند و عکس قضیه نیز کاملاً صادق است.**

استفاده درست و بجا از کلمات باعث اصلاح و تربیت فرد و جامعه می‌شود. خطیب می‌تواند با به کارگیری باورها، احساسات و عواطف، گسترده‌ترین ویرانی‌ها را فراهم آورد و یا اینکه بهترین و ارجمندترین بناهای اعتقادی و اخلاقی را بسازد.

شهید ثانی رحمته الله علیه می‌فرماید: «و فی الأدلّة الخطابیّة و الأمارات الشّعریّة هز عظیم للنفوس الإنسانیّة؛ در ادله خطابی و امارات شعری، بهره بزرگی برای نفوس انسان‌ها وجود دارد».<sup>[۵]</sup>

این فرمایش شهید ثانی رحمته الله علیه به نکته‌ای ظریف و مهم در فن خطابه اشاره دارد: «ادله خطابی» (مانند استعاره، تشبیه، تمثیل و شیوه‌های اقناعی بلاغی) و «امارات شعری» (اشارات و مضامین برگرفته از شعر)

جهت ترغیب حضار برای ذکر صلوات می‌توان گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس اسم مرا بشنود و صلوات نفرستد، خداوند او را لعنت کند»<sup>[۱]</sup>؛ اما چه خوب است که گفته شود: حضرت فرمود: «هر کس یک صلوات برای ما بفرستد، ما هزار صلوات برای او می‌فرستیم».<sup>[۲]</sup>

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «الکلام فی وثاقک ما لم تتکلم به، فإذا تکلمت به صرت فی وثاقه، فأخزن لسانک كما تخزن ذهبک و ورقک، فزب کلّمة سلّبت نعمة و جلبت نقمة؛ سخن را تا نگفته‌ای اسیر توست. اما همین که گفتی تو اسیر او خواهی بود. زبانت را همچون طلا و نقره‌ات حفظ کن. ای بسا گفتن یک کلمه نعمت بزرگی را از انسان سلب کرده یا بلا و مصیبتی را فراهم ساخته است».<sup>[۳]</sup>

این کلام نورانی از امیرالمؤمنین علیه السلام، به روشنی بر اهمیت حیاتی «حفظ زبان» و «مراقبت از کلام» تأکید دارد؛ سخن تا زمانی که در سینه مکنون است، در اختیار انسان بوده و می‌توان از تأثیرات احتمالی آن جلوگیری کرد، اما همین که بر زبان جاری شد، دیگر اسیر انسان نیست، بلکه انسان اسیر آن می‌شود و باید پیامدهای آن را بپذیرد. این اصل بنیادین، ارتباط مستقیمی با «دقت در انتخاب ترکیب» در خطبه تراز دارد؛ چرا که خطیب جمعه، علاوه بر انتخاب محتوای غنی و متناسب، باید در انتخاب واژگان، چینش جملات و نحوه بیان سخنان خود نهایت دقت را به خرج دهد تا از لغزش‌های زبانی که می‌تواند منجر به سلب نعمت هدایت و ایجاد نعمت (مانند سوءتفاهم، دلخوری، یا گمراهی مخاطب) شود، اجتناب کند. بنابراین، «دقت در

۱. سحر بیان و جمال لسان، ص ۷۱۳.

۲. سحر بیان و جمال لسان، ص ۷۱۳.

۳. نهج البلاغه، حکمت ۳۸۱.

۴. سحر بیان و جمال لسان، ص ۷۱۲.

۵. منیه المرید فی آداب المفید و المستفید، ص ۸۰.

دارای «بهرهٔ عظیم برای نفوس انسانی» هستند، به این معنا که این ابزارها توانایی شگرفی در تأثیرگذاری عمیق بر قلب‌ها و جان‌ها دارند، فراتر از استدلال‌های صرفاً منطقی. این موضوع مستقیماً با «دقت در انتخاب ترکیب» در خطبهٔ تراز گره می‌خورد؛ زیرا خطیب تراز، تنها به بیان مفاهیم خشک بسنده نمی‌کند، بلکه با «ترکیب» هوشمندانهٔ این اذلهٔ خطابی و مضامین شعری در کلام خود، می‌تواند مفاهیم را زیباتر، جذاب‌تر و قابل لمس‌تر سازد. استفادهٔ به‌جا از تشبیهات گویا، استعارات پرمغز، و ارجاعات شعری که با روح جامعه و مخاطب هم‌خوان باشد، ضمن ارتقاء زیبایی و جاذبهٔ خطبه، عمق پیام را نیز افزایش داده و آن را در جان شنوندگان طنین‌اندازتر می‌کند. از این‌رو «دقت در انتخاب ترکیب» شامل به‌کارگیری این ابزارهای بلاغی و ادبی نیز می‌شود تا خطبه، هم از نظر محتوایی غنی و هم از نظر تأثیرگذاری عاطفی و فکری، «تراز» گردد.

#### ۴-۶. جامع بودن خطبه

در راستای تبیین ویژگی‌های خطبهٔ تراز، یکی از ارکان اساسی که به غنا و تأثیرگذاری هرچه بیشتر آن می‌افزاید، «جامعیت» آن است.

خطبهٔ تراز، نباید صرفاً به یک یا چند جنبهٔ خاص محدود شود، بلکه باید دایرهٔ وسیعی از نیازهای فکری، عقیدتی، اخلاقی، اجتماعی و حتی سیاسی مخاطب را پوشش دهد.

این جامعیت به این معناست که خطیب باید بتواند با نگاهی کلان و چندوجهی، به ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی مؤمنان پرداخته و پاسخی درخور برای پرسش‌ها و دغدغه‌های گوناگون آنان ارائه دهد. این مقدمه، ما را به اهمیت پرداختن به این جنبهٔ مهم رهنمون می‌سازد تا

دریابیم که چگونه یک خطبهٔ جامع، می‌تواند به چراغ راهی روشن برای هدایت همه‌جانبهٔ جامعه تبدیل شود.

خطبه‌های قرآنی و همچنین احکام شریعت در جامعیت، معجزه است؛ با این حال نمی‌توان در آنها کمترین نقصی را پیدا کرد. قرآن از مقاطع تاریخی، بهترین‌ها را برگزیده است و ضمن یادآوری دلایل شکست و پیروزی اقوام گذشته، مردم را وادار به تفکر و عبرت گرفتن می‌کند.

از سلوک فردی و اجتماعی و دیگر جنبه‌های شخصیتی انسان‌های موفق به ویژه انبیاء برای درس گرفتن و پیروی و در نتیجه رشد استفاده می‌کند.

سنت‌های آفرینش را که نوامیس خلقت و قواعد تغییرناپذیر حاکم بر سرنوشت عالم و اصول و مبانی مدیریت جهان هستند به بهترین شکل، مستدل و مستند بیان می‌کند.

عالی‌ترین رموز و اسرار تربیتی را با علمی‌ترین بیان تبیین می‌کند: «وَ حَرَّمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ»<sup>[۱]</sup> یعنی نگذاشتیم موسی علیه السلام از زنانی که فرزندانشان را از دست داده و افسرده شده بودند، شیر بخورد؛ زیرا از چنین شیری، شخصیتی حماسی و شجاع مانند حضرت موسی علیه السلام که باید کاخ فرعون را به لرزه در بیاورد، شکل نمی‌گیرد.

#### نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر نشان می‌دهد که خطابه در نظام تربیتی و سیاسی اسلام، جایگاهی بنیادین و راهبردی دارد که فراتر از چارچوب‌های سنتی فن سخنوری، مانند یک «فریضهٔ هدایتی» و ابزاری قدسی برای اقامهٔ حق و بسط معارف الهی تعریف می‌شود. یافته‌های این تحقیق تأکید دارند که خطبهٔ تراز، محصول

۱. قصص، آیهٔ ۱۲.

۷. تحف العقول، ابن شعبه حرانی، بیروت، دار احیاء تراث العربی، بی تا.
۸. التعریفات، علی بن محمد الجرجانی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۳ ق.
۹. ارشاد القلوب، حسن بن ابی الحسن دیلمی، ترجمه سید عبدالحسین رضائی، قم، نشر اسلامیه، ۱۳۷۷.
۱۰. معجم مفردات الفاظ القرآن، حسین بن محمد راغب الإصفهانی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۷ ق.
۱۱. میزان الحکمه، محمدمهدی ری شهری، قم، دارالحديث، ۱۳۸۹.
۱۲. منیه المريد فی آداب المفید و المستفید، زین الدین بن علی شهیدثانی، بی جا، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۹ ق.
۱۳. الخصال، محمد بن علی شیخ صدوق، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ق.
۱۴. من لایحضره الفقیه، محمد بن علی شیخ صدوق، قم، دفتر انتشارات اسلامی، بی تا.
۱۵. تاریخ الامم و الملوک، محمد بن جریر طبری، بیروت، دار احیاء تراث العربی، بی تا.
۱۶. سحر بیان و جمال لسان، سید حسن عاملی، قم، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ ق.
۱۷. ده گفتار، مرتضی مطهری، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳.
۱۸. مقام معظم رهبری، سایت حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری. [www.Khamenei.ir](http://www.Khamenei.ir)
۱۹. بدائع الصنائع، علاء الدین ابی بکر بن مسعود الکاسانی، بیروت، دار الکتاب العربی، ۱۴۰۲ ق.
- پیوند ناگسستنی میان «اصالت محتوا» (مبتنی بر آموزه‌های ثقلین) و «مهارت خطیب» (در قالب بلاغت، حکمت و زمان شناسی) است. از منظر این پژوهش، خطیب در جایگاه دیده بان فرهنگی جامعه، وظیفه‌ای خطیر بر عهده دارد که کاربست موفق آن مستلزم دارا بودن همزمان تخصص علمی و تعهد تقوایی است.
- با این وجود، فایل مذکور با نگاهی انتقادی هشدار می‌دهد که ماهیت دوگانه خطابه، آن را به ابزاری با ظرفیت اثرگذاری خنثی یا معکوس بدل می‌سازد؛ به این معنا که اگر خطیب از معیارهای اصیل قرآنی و سیره معصومین علیهم السلام فاصله گیرد، یا با فقدان تقوای کلامی مواجه باشد، خطابه نه تنها به اهداف تعالی بخش خود دست نمی‌یابد، بلکه می‌تواند به مجاری جهت ترویج سطحی‌نگری، بدعت‌های فکری و تشدید چالش‌های اعتقادی در جامعه بدل شود. در نهایت، ضرورت بازتعریف و ارتقای استانداردهای خطابه دینی در نهادهای عمومی از جمله نماز جمعه، به عنوان یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر جهت صیانت از سلامت معرفتی جامعه و کارآمدسازی نهادهای دینی پیشنهاد می‌شود.

## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. عوالی اللثالی، محمد بن علی احسانی، قم، سیدالشهداء، ۱۴۰۳ ق.
۴. سیره ابن هشام، ابو محمد عبدالملک ابن هشام، بیروت-لبنان، دارالمعرفه، بی تا.
۵. تهذیب اللغة، ابو منصور محمد بن احمد ازهری، قاهره، الدار المصریه، بی تا.
۶. وسائل الشیعه، محمد بن حسن حر عاملی، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، بی تا.

